

# رام کردن اژدهای سرکش

○ شمسی خسروی



عنوان کتاب: اژدها و آتش دهانش  
نویسنده: مزگان شیخی  
تصویرگر: کیانوش غریب پور  
ناشر: افق  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹  
شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۱۶ صفحه  
بها: ۳۰۰ تومان

برمی آید. به این ترتیب، خواننده کتاب درمی یابد که هر گاه قدرت و نیرو، در جهت خیر به مصرف رسد، مشکل گشا می شود و به رفع حاجات می انجامد و اگر در جهت مخالف به کار گرفته شود، سبب سلب آرامش شده، صدمات جبران ناپذیری به بار می آورد.

- نقش عقل و خرد پیرزن که از موضع جدیت و قدرت، با اژدها برخورد می کند و پاسخ ندانم کاری او را می دهد، ذهنیت مثبتی از افراد مسن و سالخورده در کودک به وجود می آورد.

با آرایه ای که از متن اثر برمی خیزد و به یقین، مخاطب اثر نیز به اقتضای سن و به قدر فهم خود، از آن توشه برمی گیرد، می توان امتیاز خوبی برای این اثر در نظر گرفت. به خصوص، لحن و زبان کودکانه آن و بهره گیری از عناصری که در افسانه های کهن یافت می شود، به جاذبه آن افزوده است. این عناصر، عبارتند از:

الف - اژدها که موجودی خیالی است و موجودیت و امکان برخورد با آن تنها در رویاها و ذهنیات کودک و خردسال تحقق می یابد و آتش دهانش که همه را به تنگ آورده است.

کودک در آغاز رشد فکری  
برای فهم مطالب داستانی  
به تصاویر گویا نیاز دارد  
زیرا خود، تصویر واضح و شفاف از  
دنیا اطراف و به ویژه  
از داستان های  
تخیلی ندارد



اطرافیان.

قصه، مضمونی اخلاقی دارد و در ضمیر ناخودآگاه کودک، این جملات را حک می کند:

- خداوند، آه کشیدن مظلوم را می شنود

و می بیند و بی تردید، هیچ ظلمی بی پاسخ نمی ماند. «پیرزن بیچاره

خیلی ناراحت شد. آهی کشید و

گفت: ای اژدها، من که زورم

به تو نمی رسد. از خدا

می خواهم که تو را به

سزای کارت برساند.»

- نویسنده با استفاده

از چشمه اصلی نور و حرارت

که همان خورشید است و از

هرم و گرمایش، برای حرارت

بخشیدن به زمین و تبخیر آب

و باران سازی استفاده می کند و

نورش را برای روشنایی بخشیدن،

بر همه جای زمین می تاباند، آینه

عبرتی برای اژدها فراهم می آورد تا او به

اشتباه خود پی ببرد و درصدد جبران مافات

اژدها و آتش دهانش، از جنس افسانه های قدیمی است و به گواه نوشته روی جلد «قصه های دیروز، بچه های امروز.»

از سخن گفتن اژدها و درخت و ابر و دریاچه گرفته

تا نخریسی پیرزن و اهلی شدن اژدها، همه و همه،

چیزهایی است که تنها در قصه های کودک یافت

می شود. اژدهای قصه، با استفاده از آتش دهانش،

دیگران را آزار می دهد و یک روز که چرخ نخریسی

پیرزن را خاکستر می کند، پیرزن آه می کشد و خاکستر

چرخش را به اجاقش می ریزد و از آن روز، آتش دهان

اژدها، به آتش اجاق پیرزن تبدیل می شود.

اژدها با عجز، از پیرزن می خواهد آتش دهانش را

پس بدهد. روزها التماس می کند تا این که پیرزن

می گوید به شرطی این کار را خواهد کرد که او چرخ

نخریسی اش را پس بدهد.

اژدها با یاری جستن از نجار و درخت و ابر و

دریاچه و خورشید، چرخ نخریسی تازه ای برای پیرزن

می سازد و به او بازمی گرداند و در پایان قصه، پیرزن

هم آتش دهان اژدها را به او می دهد و این در حالی

است که اژدها آموخته است که قدرتش را به سود

دیگران به کار گیرد و نه برای تباه کردن حاصل زحمات

جدید، اثر اصلی را به خاطر نیاورد.

### تصاویر

کودک در آغاز رشد فکری، برای فهم مطالب داستانی، به تصاویر گویا نیاز دارد؛ زیرا خود، تصویر واضح و شفافی از دنیای اطراف و به ویژه از داستان‌های تخیلی ندارد.

خوشبختانه این کتاب، نیاز کودک برای درک صریح اثر را برآورده می‌سازد. در پی هر صفحه نوشتار، تصاویری کشیده شده است که دگرگونی شخصیت اژدها را می‌نمایاند. در تصویرهای اولیه، اژدها را با چهره‌ای متکبر می‌بینیم، اما در صفحات پایانی کتاب، قطره اشکی بر گونه اژدها تصویر شده که نشانه سرافکندگی و ندامت اوست و بالاخره، تصویر پایانی اژدها را مانند اسبی رام نشان می‌دهد که چرخ نخریسی بر پشت، به سوی پیرزن در حرکت است. چرخ مانند یاری بر پشت او بسته شده و چهره‌اش عاری از سرکشی و طغیان است.

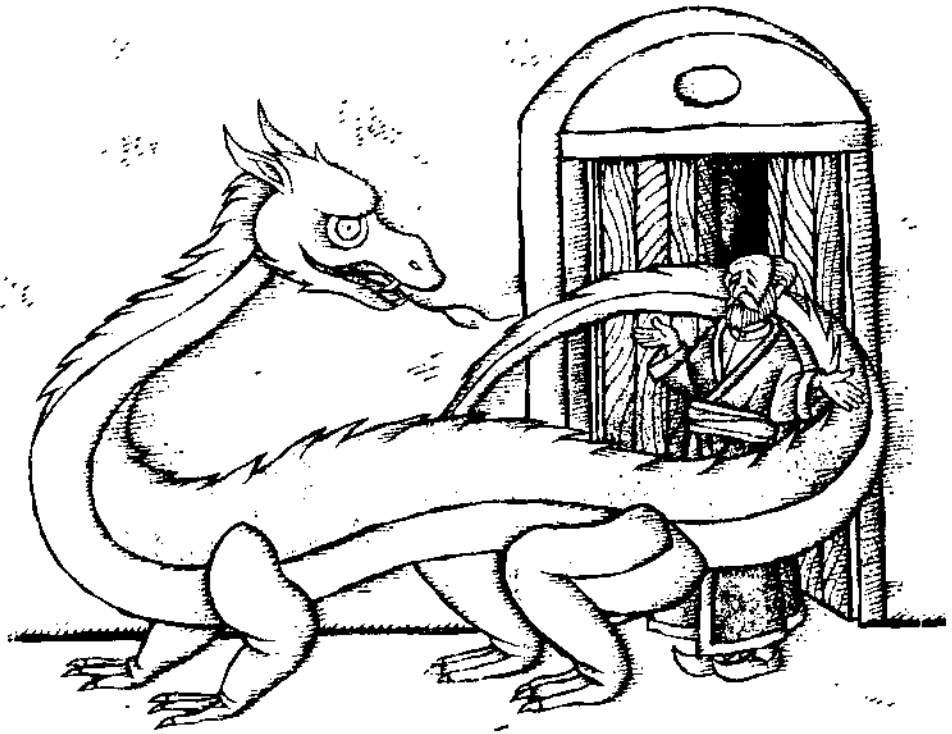
اما نکته آخر این، که در طول قصه، گویی همه عناصر دست به دست هم داده‌اند تا به پیرزن، در ادب کردن اژدها کمک کنند. هر یک کار را به دیگری واگذار می‌کند و اژدها را سرمی‌گرداند. البته درگیری اژدها، با عناصری که برای تهیه چرخ نخریسی دست‌اندر کار هستند، چندان قابل ملاحظه نیست؛ زیرا هر یک، به آسانی و بی‌دردسر، به خواسته اژدها تن درمی‌دهد.

اژدها به نجار می‌گوید: «برای من چرخ نخریسی درست کن! اگر نکنی، می‌خورمت!» و نجار از او چوب می‌خواهد. اژدها تقاضایش را با درخت مطرح می‌کند؛ آن هم به شیوه خاص خود (با زورگویی) و بالاخره، درخت هم آب می‌خواهد و الخ....

اما این کشمکش‌ها چندان مایه‌دار نیست. برآورده شدن آسان خواسته‌های اژدها، ساده‌ترین راهی بود که نویسنده می‌توانست انتخاب کند، کمی پیچیدگی در واکنش ابر، خورشید و ... حوادث جدیدی می‌آفرید و قطعاً به جاذبه اثر نیز می‌افزود. در آن صورت، اژدها نیز به سزای اعمالش می‌رسید.

نویسنده از دم دستی‌ترین راه، برای رسیدن به پایان قصه و تغییر شخصیت منفی استفاده کرده و عجولانه قصه را به پایان رسانده است.

برخلاف آثار خاص گروه سنی بزرگسال که باید به شعور مخاطب بها دهد و از اطناب پرهیز کند، در آثار خاص کودکان و خردسالان، نقل لحظه به لحظه حوادث و آفرینش حادثه جدید از دل حادثه قبلی، نوعی هنر محسوب می‌شود و به تعلیق و کشش اثر می‌انجامد. می‌دانیم که عنصر اصلی قصه کودک، حادثه است که به تناسب افزایش حجم حادثه، جاذبه داستان و خلاقیت کودک نیز افزایش می‌یابد.



ب - پیرزنی که نخ می‌ریسد؛ آن هم در عصر تکنولوژی مدرن و کارخانجات پیشرفته نساجی!

ج - قدرت تکلم بخشیدن به درخت و ابر و دریاچه و خورشید و تأثیر آنان در سیر تکاملی قصه.

د - همزیستی مسالمت‌آمیز اژدها که موجودی تخیلی و مخوف است، با پیرزن که یک موجود معمولی است.

ه - پایان شیرین و آرامش‌بخش اثر و تغییر اساسی که در اژدها به وجود آمده نیز دلیل دیگری بر افسانه ماندنی اثر است. اژدها هویت واقعی خود را از دست می‌دهد و به موجودی دست‌آموز و رام تبدیل می‌شود که به پیرزن در امور منزل یاری می‌کند.

### موضوع تکراری

تنبیه شدن اژدها و اهلی شدن او علی‌رغم ذات واقعی‌اش، مخاطب را به یاد کارتون خارجی «بامزی» می‌اندازد؛ خرسی که بسیار غسل دوست داشت و با مادر بزرگش در بالای کوهی زندگی می‌کرد.

در آن جا نیز اژدها همه چیز را می‌بلعد و با آتش دهانش، وسایل را خاکستر می‌کند و دیگران را آزار می‌دهد. روزی مادر بزرگ بامزی، تصمیم می‌گیرد با تمهیداتی، به تنبیه اژدها بپردازد و پس از مدتی، اژدهای زبان نفهم که عاشق کوفته‌های مادر بزرگ شده بود، به موجودی دست‌آموز و خوب تبدیل می‌شود که هیچ آزاری به دیگران نمی‌رساند، به غذای دیگران دست‌درازی نمی‌کند و با آرامش، کوفته‌هایی را که مادر بزرگ برایش پخته است، می‌خورد.

البته، الهام گرفتن از شاهکارهای هنری مکتوب و یا تصویری، هیچ اشکالی ندارد و ضمناً این حسن را دارد که با استفاده از اثر قبلی و رفع نقایص آن، اثر جدید و ممتازی خلق می‌شود؛ به شرطی که شخصیت‌ها کپی‌برداری نشوند و مخاطب به محض مشاهده اثر

### نقش عقل و خرد پیرزن

که از موضع جدیت و قدرت

با اژدها برخورد می‌کند

و پاسخ ندانم کاری او را می‌دهد

ذهنیت مثبتی از افراد مسن و سالخورده

در کودک به وجود می‌آورد

تنبیه شدن اژدها و اهلی شدن او

علی‌رغم ذات واقعی‌اش، مخاطب را

به یاد کارتون خارجی

«بامزی» می‌اندازد؛

خرسی که بسیار غسل دوست داشت

و با مادر بزرگش در بالای کوهی

زندگی می‌کرد

برخلاف آثار خاص گروه سنی

بزرگسال که باید به شعور مخاطب

بها دهد و از اطناب پرهیز کند،

در آثار خاص کودکان و خردسالان

نقل لحظه به لحظه حوادث و آفرینش

حادثه جدید از دل حادثه قبلی

نوعی هنر محسوب می‌شود

و به تعلیق و کشش اثر می‌انجامد